

دزدی که داروهای کمیاب سرقتی را به خود مال باختگان می فروخت؛

دستبرد از نقطه کور!

شده و به طرف خودروی دنا حرکت کرده که در کوچه پشت داروخانه پارک شده بود. هنگامی که او با خیال راحت پشتش فرمان خودرو نشست ناگهان خود را در محاصره نیروهای انتظامی دید و ناباورانه به کیف دستی همراهش خیره شد. مأموران انتظامی هم که خروج او از داروخانه را مستندسازی کرده بودند، ابتدا دستبندهای آهنین را بر دستان وی حلقه زدند و سپس به بازرسی کیف و خودرو پرداختند. در حالی تعداد زیادی داروهای کمیاب از داخل کیف وی کشف شد که صندوق عقب دنا مملو از انواع داروهای کمیاب و گران قیمت بود و ۹۰ سرم تقویتی نیز روی یکدیگر تلخیز شده بود. با کشف این داروهای درنگ نیروهای کلاتری آبکوه مرانترابه معاونان داستان مرکز خراسان رضوی اطلاع دادند و سپس با کسب مجوزهای قضایی عازم منزل وی در منطقه بولوار شهید فرامرزی عباسی شدند اما آن چه مقابل دیدگان عوامل انتظامی قرار گرفت باور کردنی نبود. منزل یادشده بیشتر به داروخانه‌ای بزرگ شبیه بود که حتی درون کمدها نیز انواع داروهای کمیاب و پرتقاضای بازار قرار داشت. طولی نکشید که با ثبت و ضبط داروهای مذکور، دوباره نیروهای انتظامی به طرف داروخانه‌ای در بزرگراه شهید چراغی حرکت کردند که



متمم در آن مکان مشغول کار بود. در بازرسی از آن جانیز تعداد زیادی دارو کشف شد و بدین ترتیب جوان دارو فروش به مقر انتظامی انتقال یافت و در دایره تجسس مورد بازرسی های فنی قرار گرفت. این جوان سارق که دیگر همه راه های فرار را بسته می دید به ناچار لب به اعتراف گشود و راز سرقت هایش را فاش کرد. او گفت: نقطه کور دوربین های مدار بسته داروخانه را فهمیده بودم و به طور دقیق می دانستم که باید از کدام قسمت داروخانه داروهارا خارج کنم، به همین دلیل وقتی به بهانه خرید و فروش وارد داروخانه می شدم، از غفلت مدیرفنی و دیگر کارکنان استفاده می کردم و داروهای کمیاب را به نقطه کور انتقال می دادم و سپس شب هنگام با استفاده از همان نقطه ای که دوربین ها ضبط نمی کردند، داروهارا درون کیف می ریختم و به کوچه پشتی انتقال می دادم که خودروام را آن جا پارک کرده بودم. بعد هم در فرصت های مناسب، داروهارا به مال باختگان می فروختم یا به صورت آزاد در داروخانه های دیگر به فروش می رساندم!

مال باخته که در جریان اعترافات متمم قرار گرفته بود، با ابراز تاسف از این که چند سال به وی اعتماد کرده است، مبلغ خسارت های خود

گروه حوادث - دزدی که طی چند سال گذشته با شگرد خاصی به داروهای داروخانه دستبرد می زد و آن ها را به خود مال باختگان یاد بازار آزاد به فروش می رساند با تلاش نیروهای کلاتری آبکوه مشهد در حالی دستگیر شد که انبار بزرگ داروهای کمیاب سرقتی وی نیز لو رفت. صبح بیست و نهم تیم متصدی داروخانه ای در خیابان مهدی وارد کلاتری آبکوه شد و پلیس را در جریان سرقت های متعدد دارو از داروخانه اش قرار داد و مدعی شد تاکنون چندین میلیارد تومان ضرر مالی را با فروش منزل مسکونی اش جبران کرده است. به دنبال دریافت این خبر و با توجه به اهمیت موضوع داروهای کمیاب، بی درنگ گروهی از عوامل انتظامی به سرپرستی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلاتری آبکوه) راهی خیابان مهدی در بولوار فردوسی مشهد شدند و تحقیقات پلیسی نامحسوس را در روز داروخانه آغاز کردند.

آنان که به طور غیرمستقیم داروخانه را زیر نظر داشتند با راهنمایی های مال باخته به جوانی مشکوک شدند که در زمینه خرید و فروش دارو فعالیت داشت. آنان چندین ساعت به انتظار نشستند تا این که بالاخره جوان مذکور در حالی که کیفی را در دست داشت از داروخانه خارج

شهرام تحمل ازدواج فتنانه را نداشت!

پایان خونین یک ازدواج سفید

داده داشت حدود ۴ ساعت بعد از این جنایت خبر رسید که وی خودش را به پلیس معرفی کرده و تسلیم شده است. مرد میانسال به نام شهرام اعتراف کرد که ساعتی قبل زن مورد علاقه اش را به قتل رسانده و عذاب وجدان باعث شده که به کلاتری بیاید و خود را معرفی کند. به دنبال اظهارات متمم وی به دستور بازپرس شعبه چهارم دادرسی امور جنایی تهران بازداشت شد.

وی در رابطه با نحوه آشنایی اش با مقتول می گوید: من راننده بودم و چهار سال قبل این زن را به عنوان مسافر سوار خودروام کردم، بین راه سر صحبت باز شد و فهمیدم مجرد است و تنها زندگی می کند، از همان روزها هم آشنا شدیم و کم کم ارتباطمان بیشتر شد. رابطه من و فتنه خیلی خوب بود به قدری که او اعتماد داشت که در آمدهای روزانه ام را به او می دادم تا بر این پس انداز کند.

چند روزی که گذشت یک روز همسایه اش به من زنگ زد و گفت فتنه اصلا به شهرستان نرفته و تهران بوده است. از شنیدن این حرف خیلی تعجب کردم. زن همسایه به من گفت این همه خرج فتنه می کنی و هوایش را داری اما او به تو دروغ گفته و در این مدت مرد غریبه ای به خانه اش رفت و آمد دارد و ظاهر فتنه می خواهد یا او ازدواج کند. از شنیدن این حرف ها شوکه شده بودم. با عصبانیت به او زنگ زدم. وقتی موضوع را گفتم در کمال ناباوری به من گفت که دیگر مرانمی خواهد و هر چه بین ما

دختر ۶ساله راز قتل پدر بلاگرش را لو داد!

مقتول را در بیابان های اطراف تهران انداخته است. با تکمیل تحقیقات برای بارید به اتهام قتل عمد و برای زن جوان به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه نماینده داستان از طرف دختر صغیر مقتول درخواست دیه کرد. بعد از آن مادر مقتول به جایگاه رفت و گفت: عروسم به دروغ می گفت پسرم در تصادف یک نفر را کشته و مجبور شده از ایران فرار کند. او ۶ ماه تمام با این حرف ها مراسم کار گذاشت تا اینکه نوهام حقیقت را گفت و راز قتل برملا شد. حالا هم دو سال از این ماجرا گذشته اما هنوز جسد پسرم پیدا نشده است. بنابراین من حاضر به گذشت نیستم و تنها درخواستم قصاص و اشد مجازات است. سپس دختر مقتول به جایگاه رفت و گفت: آن روز با مادرم و بارید به پارک رفته بودیم بعد از اینکه برگشتیم پدرم خواب بود. مادرم و بارید دهان پدرم را با چسب بستند و مادرم با دست هایش پدرم را خفه کرد. بعد هم بارید ویلچری آورد و پدرم را روی آن انداختند و بردند. مادرم به من گفت که نباید هیچ حرفی بزنم.

در ادامه مرد جوان به جایگاه رفت و بارید اتهام قتل عمد گفت: من نقشی در قتل نداشتم. فقط برای حمل جسد با او همکاری کردم. در پایان وکیل اولیای دم به جایگاه رفت و گفت: شواهد متعددی وجود دارد که نشان می دهد همسر مقتول در قتل شوهرش دست داشته است. از این رو تقاضا دارم عنوان اتهامی وی را معاونت به مشارکت در قتل تغییر پیدا کند. قضات ادامه رسیدگی به این پرونده را به جلسه بعدی دادگاه موکول کردند.

مادرم با همدستی دوست پدرم بارید را او کشتند. پس از این اظهارات بلافاصله دستور بازداشت زن جوان صادر شد. وی که چاره ای جز اعتراف نداشت گفت: وقتی با همسرم ازدواج کردم زندگی خوبی داشتم، شوهرم ورزشکار بود اما مدتی بعد متوجه شدم به فرص ترامادول اعتیاد دارد و همین موضوع سبب شده بود که مدام با هم بحث و درگیری داشته باشیم، کم کم درگیری ها باعث شد دیگر عشق و علاقه ای بین ما نباشد.

ما از راه تبلیغات در فضای مجازی کسب درآمد می کردیم و نیاز مالی نداشتم اما همیشه با هم اختلاف داشتمم تا اینکه من در فضای مجازی با فردی که خودش را نازنین معرفی کرده بود آشنا شدم و پس از مدتی که اعتمادم به او جلب شد برایش درددل کردم و از رفتارهای شوهرم گفتم. یک روز قرار شد همدیگر را ببینیم اما وقتی سر قرار رفته در کمال ناباوری متوجه شدم او یک مرد جوان است و به دروغ خودش را نازنین معرفی کرده بود. به من گفت اسمش بارید است و در کار مدلینگ است و می تواند شوهرم را ادب کند تا دیگر مرا اذیت نکند. بعد هم قرار شد با شوهرم طرح دوستی بزنیم و به او نزدیک شویم.

زن جوان در ادامه گفت: کم کم او به خانه ما رفت و آمد کرد. شب حادثه بارید تعدادی قرص در آمیوه شوهرم ریخت و پس از آنکه بیهوش شد دست و پایش را بستیم. ابتدا قصد داشتیم او را آرایش کنیم و از او فیلم بگیریم و با تهدید به انتشار فیلم در فضای مجازی ادبش کنیم اما به یکباره به هوش آمد و بارید به ناچار او را کشت و فرار کرد.

پس از اعترافات زن جوان، بارید که سابقه کیفری نیز دارد شناسایی و بازداشت شد و ضمن اعتراف گفت که جسد

گروه حوادث - نخستین جلسه رسیدگی به پرونده قتل بلاگر معروف که به دست همسرش و مردی غریبه کشته شده بود در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. تااستنا سال ۱۴۰۰ زن میانسانی را مراجعه به پلیس از ناپدید شدن پسر جوانش خبر داد و در تشریح ماجرا به مأموران گفت: پسرم ۳۵ ساله است. او حدود ۱۰ سال قبل با دختری ازدواج کرد و یک دختر هم دارند او و همسرش ۴ سالی است که در فضای مجازی به عنوان بلاگر فعالیت می کنند. اما چند روزی است که از پسرم خبری نیست هر بار هم سراغش را از عروسم می گیرم می گوید به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس رفته و قرار است برای کارهای مهاجرت به اروپا اقدام کند.

البته چند بار هم پیامکی از یک سیمکارت با شماره خارج از کشور برایم ارسال کرد اما هرچه تماس می گیرم موفق نمی شوم با پسرم صحبت کنم. راستش به حرف های عروسم اعتماد ندارم چون پسرم اگر می خواست به مسافرت برود یا قرار بود مهاجرت کند حتما از قبل به من می گفت. پس از اظهارات زن میانسال، مأموران تحقیقات شان را آغاز کردند و مشخص شد که عروس ۳۰ ساله این زن نیز همانند همسرش بلاگر است و دنبال کننده های زیادی دارد. وقتی زن جوان برای تحقیقات احضار شد، گفت: من خبری از همسرم ندارم و هر آنچه که می دانستم رابه مادرش هم گفتم. او برای فرام کردن مقدمات کار مهاجرت از کشور خارج شده است.

در ادامه تحقیقات مشخص شد چنین فردی از کشور خارج شده است بنابراین پلیس این بار به سراغ دختر ۶ساله خانواده به رفت که وی راز هوایک قتل پدرش را فاش کرد و گفت:

بده تمام شده است. تصمیم گرفتم خودم را بکشم چون فتنه همه زندگی من بود، چطور می توانستم بدون او زندگی کنم. روز حادثه ابتدا به سراغ یکی از دوستان رفته و جاقوی او را گرفتم. تصمیم داشتم خودکشی کنم، بعد به ساختمانی نیمه کاره در غرب تهران رفته اما قبل از اینکه شاهرگم را بزنم با خودم گفتم حرف های نگفته زیادی با فتنه دارم.

باید از او پرسیم چرا این کار را با من کرده است. از طرفی ۷۰ میلیون تومان پول در این مدت به او داده بودم تا بر این پس انداز کند، باید پول هام را هم از او می گرفتم. حالا که مرانمی خواست باید پول هام را برمی گرداند.

بسا و تماس گرفتم و گفتم می خواهم او را برابری آخرین بار ببینم. در نهایت فتنه قبول کرد و برای آخرین دیدار راهی خانه اش شدم. فتنه خودش در ورودی را بر اینم باز کرد و وارد ساختمانش شد و در راه پله ها به او گفتم حالا که می خواهی بروی چه شد که خودت را معرفی کردی؟ همسایه اش خبر داد که فتنه در بیمارستان مرده است. زمانی که فهمیدم او را به قتل رسانده ام به کلاتری رفته و خودم را معرفی کردم.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

| | | | |
|---|---|---|--|
| <h3>مفقودی</h3> <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۰۰۳۰۸/۰۱ به نام ثنا طاهر خانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <h3>مفقودی</h3> <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۲۳۶۸۶/۰۱ به نام مینا شکری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <h3>قطعات یدکی</h3> <p>تهیه قطعات اصلی یدکی خودروهای سبک و سنگین تحویل حداکثر ۴۸ ساعت ۰۹۳۷۵۶۳۲۷۰۲ ۰۹۳۷۶۶۶۰۲۳۷</p> | <h3>استخدام</h3> <p>دعوت به همکاری از کارمند اداری خانم آشنا به فعالیت در دفاتر شرکت های بیمه دعوت به همکاری می شود. تماس ۴۴۴۲۰۲۸۴</p> |
| <h3>مفقودی</h3> <p>آگهی افزایش سرمایه شرکت کی استون کیش (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۱۰۴۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۸۲۸۷۰۸ به استناد صورتجلسات مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۶ و هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۳ سهم با نام ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی از طریق مطالبات حال شده (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) افزایش یافت و در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه به نحو فوق اصلاح گردید. شیمافرج زاده- سرپرست اداره ثبت شرکتها و مالکیت های صنعتی و معنوی منطقه آزاد کیش</p> | <h3>مفقودی</h3> <p>اصل کارت اشتغال به کار به نام سمیع الله امامی به شماره پاسپورت P01907529 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <h3>مبل شویی</h3> <p>مبل شویی سیار شستشوی مبل صندلی تشک موکت فرش با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت در اسرع وقت ۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳ ۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰</p> | <h3>استخدام منشی عصر ساکن کیش</h3> <p>یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p> |
| <h3>مفقودی</h3> <p>آگهی تصمیقات شرکت کی استون کیش (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۱۰۴۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۸۲۸۷۰۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ تصمیقات ذیل اتخاذ گردید: ۱- تراژنامه و صورت سود و زیان و گردش حساب سود و زیان ابناشته و صورت جریان وجوه نقد برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. ۲- آقای حسین کاشانی با کد ملی ۰۰۵۱۲۸۴۰۹۱ به عنوان بازرس اصلی و آقای سید مجید آقایان با کد ملی ۰۰۷۲۶۶۶۵۱ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند. ۳- روزنامه کثیرالانتشار اقتصاد کیش جهت درج های شرکت انتخاب گردید. شیمافرج زاده- سرپرست اداره ثبت شرکتها و مالکیت های صنعتی و معنوی منطقه آزاد کیش</p> | <h3>مفقودی</h3> <p>اصل کارت اشتغال به کار به نام عبدالصمد رضوانی به شماره پاسپورت P00581366 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <h3>مبل شویی</h3> <p>مبل شویی سیار شستشوی مبل صندلی تشک موکت فرش با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت در اسرع وقت ۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳ ۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰</p> | <h3>استخدام منشی عصر ساکن کیش</h3> <p>به تعدادی کارگر ساده جهت کار پاره وقت بعنوان پیک موتوری نیازمندیم. ۴۴۴۲۴۹۹۹</p> |

صنایع چوب | کلیه سفارشات | MDF چوبی | دکوراسیون غرفه و منزل | تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰